

■ شکافی تاریخی بین دستمزد کارگران و هزینه‌های معیشتی آنها وجود داشت که با تورم رخ داده در سال‌های اخیر این شکاف تشدید هم شد. ماده ۴۱ قانون کار مربوط به تعیین حداقل دستمزد کارگران است که تاکنون به طور صحیح اجرا نشده است. اگر شورای عالی کار در سال‌های پس از تصویب قانون در چارچوب آن عمل می‌کرد، وضعیت کارگران هم‌اکنون اینگونه نبود

«وطن امروز» از عدم تناسب میان حداقل دستمزد کارگران با هزینه‌های معیشتی و نرخ تورم گزارش می‌دهد

کارگران به سختی مشغول کارند

آیا افزایش دستمزد کارگران بر اساس قانون کار، باعث تشدید تورم، رشد بیکاری و بحران تولید می‌شود؟



گروه اقتصادی: تاریخ تولد اختلاف کارگر و کارفرما به زمان ایجاد این ۲ گزاره بازمی‌گردد. در این جدال بی‌پایان گاهی کارفرما دست برتر را داشته و گاهی هم کارگران؛ اختلافی که پا را از عرصه اقتصاد فراتر گذاشته و باعث ایجاد مکتب‌های سیاسی نیز شده است. در این بین آنچه همواره پایدار بوده، اختلافات بین این ۲ گروه است. اصلی‌ترین اختلاف بین این دو در تعیین میزان دستمزد است؛ امری که تا حدودی با ابداغ «حداقل دستمزد کارگری» در راستای حمایت از معیشت کارگران در سراسر دنیا حل شده است. فشار از فاکتورهای متنوع تعیین حداقل دستمزد کارگری در اقتصادهای مختلف، کارفرماها بر این باورند که تعیین رقمی ثابت و اجباری برای پرداخت حقوق کارگران می‌تواند باعث سوق دادن بازار کار به سمت مشاغل زیرزمینی و غیررسمی شود. ایضا اگر کلیت این موضوع را هم بپذیرند، در میزان افزایش آن همواره مقاومت می‌کنند. کارفرماها برای این مهم بهانه‌هایی مانند افزایش تورم، افزایش بیکاری و افزایش هزینه‌های تولید را طرح می‌کنند.

بر اساس دیدگاه موافقان حمایت از کارگران و اجرای سیاست حداقل دستمزد، اجرای این سیاست از طریق حفظ قدرت خرید نیروی کار در برابر رشد قیمت‌ها، گامی مهم جهت حمایت از قشر کارگر و تحقق عدالت اجتماعی به شمار می‌آید. بر این اساس، حداقل دستمزد باید مبتنی بر در نظر داشتن برخی شاخص‌ها و ملاحظات همچون نیاز کارگران به زیان دیگر برای جبران کاهش قدرت خرید، نرخ تورم سالانه از مهم‌ترین عواملی است که در تعیین حداقل دستمزد باید مدنظر قرار گیرد. در مقابل این استدلال، دیدگاه مخالفان آن است که اجرای حداقل دستمزد در نوعی دخالت در بازار کار تلقی شده است که نتیجه آن بروز اختلال در این بازار است.

مخالفان استدلال می‌کنند تعیین دستمزد کارگران در دوران باستان امری رایج بود اما در دوران مدرن تعیین حداقل دستمزد کارگران کنار گذاشته شده است. اقتصاددانانی برای مبارزه با نژادپرستی، تعیین حداقل دستمزد کارگران را پیش گرفتند، بنابراین انگیزه ضدنژادپرستی در این کار وجود دارد. از سوی دیگر موافقان

رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار ایران مطرح کرد

شکاف دستمزد و معیشت کارگران



رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار ایران گفت: شکافی تاریخی بین دستمزد کارگران و هزینه‌های معیشتی آنها وجود داشت که با تورم رخ داده در سال‌های اخیر این شکاف تشدید هم شده است. لولیا علی‌بیگی با اشاره به قانون کار سال ۶۹ به «وطن امروز»، اظهار داشت: ماده ۴۱ قانون کار مربوط به تعیین حداقل دستمزد کارگران است که تاکنون به طور صحیح اجرا نشده است. اگر شورای عالی کار در سال‌های پس از تصویب قانون در چارچوب آن عمل می‌کرد، وضعیت کارگران هم‌اکنون اینگونه نبود. به صراحت می‌توان گفت از سال ۶۹ تا امروز به قانون کار اکتفا کرده و شاید عمل نشده و دستمزد کارگران طبق قانون افزایش نیافته است. علی‌بیگی افزود: این یعنی بین حداقل دستمزد کارگران و هزینه‌های معیشتی آنها شکاف قابل توجهی دیده می‌شود. این شکاف باعث شده کارگران در تامین مایحتاج خانواده خود دچار مشکل شوند. البته این شکاف با شدت یافتن افزایش تورم در چند سال اخیر بیشتر هم شده است.

وی با بیان اینکه با تشدید تحریم‌ها و عوامل دیگر طی سال‌های اخیر، افت تولید محسوسی در اقتصاد ایران رخ داده است، اظهار داشت: در سال‌های اخیر شاهد تعطیلی کارگاه و کارخانه‌های زیادی بودیم که این اتفاق به غیر از آسیب زدن به نهاد کار و تبعات اقتصادی، باعث فشار به طبقه کارگری نیز شده است. علی‌بیگی در ادامه با اشاره به تاثیر کرونا بر اقتصاد کشور، گفت: به دلیل کرونا برخی مشاغل تعطیل شدند و تورم هم امسال در چند نوبت افزایش چشمگیری داشت که همه اینها باعث شد طعم شیرین افزایش حداقل دستمزد امسال در سفره کارگران احساس نشود. تناسبی بین افزایش حداقل دستمزد در سال گذشته و تورم امسال وجود نداشت. وی با اظهار اینکه معیشت کارگران وضعیت مطلوبی ندارد، تصریح کرد: کارگران انتظار دارند شورای عالی کار، تصمیم منصفانه‌ای درباره حداقل دستمزد کارگران بگیرد و این شکاف عظیم که در ۴ دهه گذشته به وجود آمده را تا حدودی جبران کند. وی با بیان اینکه برای جبران شکاف بین حداقل دستمزد کارگری و هزینه‌های معیشتی نیازمند برنامه بلندمدت هستیم، اظهار داشت: ابتدا باید شورای عالی کار درصد این شکاف را مشخص کرده و پس از آن بر اساس این درصد اقدام به ترمیم حداقل دستمزد کارگران در بلندمدت کند. رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار درباره مسؤولیت اجتماعی دولت‌ها در قبال کارگران اظهار داشت: دولت‌ها موظف هستند از کارگران در برابر بحران‌های تورمی محافظت کنند. تورم کنونی بویژه رشد قیمت‌ها در نیمه دوم سال اولویت این اقدام را دوچندان می‌کند. وی افزود: اگر شورای عالی کار امسال هم بخواهد مسیر سال‌های گذشته را برای تعیین حداقل دستمزد کارگری طی کند و به تورم و سبید معیشت توجه نکند، شکاف درآمدی کارگران امسال نیز عمیق‌تر خواهد شد. شورای عالی کار باید امسال عزمی جدی برای ترمیم حداقل دستمزد داشته باشد و ۲ شاخصه تورم و سبید معیشت را برای تعیین حداقل دستمزد در نظر بگیرد، درست مانند آنچه در قانون قید شده است. علی‌بیگی در پایان گفت: نباید در شورای عالی کار رقم سبید معیشت به طور یکجانبه تعیین شود. باید بهداشت، درمان، مسکن و آموزش که جزئی از هزینه‌های ضروری است در نظر گرفته شود و با احتساب آنها رقم سبید معیشت تعیین شود.



توانمندسازی کارگران می‌کند. با استفاده از نظام یکپارچه مالیاتی، دولت مقادیری از پول مالیات را برای توانمندسازی افراد کم‌برخوردار و کارگر راهگشا باشد. طبق بررسی‌ها، بیش از ۹۵ درصد کشورهای دنیا دارای حداقل دستمزد کارگران هستند و ایران در مقایسه با آنها کمترین میزان حداقل دستمزد کارگران را دارد. معهود کشورهای اروپایی حداقل دستمزد کارگران را ندارند، البته در این معهود کشورهای اروپایی حداقل دستمزد کارگران را دولت تعیین نمی‌کند اما سیاست‌های فسال در زمینه کار و کارگری دارند. به عنوان مثال سوئد حدود ۷۰ درصد کارگری دارد؛ این اتحادیه‌ها متناسب با منطقه و صنایع موجود در آن به وجود می‌آیند، سپس برای تعیین حداقل دستمزد کارگران این اتحادیه‌ها با کارفرما وارد چانه‌زنی می‌شوند. به عبارت دیگر دستمزد کارگران مستقیم توسط دولت تعیین نمی‌شود، بلکه دولت شرایط برابر برای کارفرما و کارگر ایجاد می‌کند تا خودشان بتوانند دستمزد را تعیین کنند

در دستمزد کارگران، حمایت‌هایی در راستای

دارای چند مهارت و تخصص هستند، در مقابل تعدادی نیروی کار وجود دارد که هیچ مهارت تخصصی ندارند و فقط یکسری مهارت عمومی دارند. بازار آزاد نیروی کار در ایران رقابتی نیست.

بازار نیروی کار در ایران اگر آزاد شود به خاطر ساختار و نارسایی‌هایی که دارد، انحصاری خواهد شد. نیروی کار در یک مکان مشخص جغرافیایی است و همه جا نمی‌تواند خود را عرضه کند. به نوعی نیروی کار سیال نیست که در مکان‌های مختلفی بتواند کار کند. این هویت مکانی کارگر، کارفرما دستمزد کارگران را افزایش می‌دهد، مجبور می‌شود در سایر هزینه‌ها صرفه‌جویی کند. در این حالت کارفرما نیروی کار با بهره‌وری بیشتر را نگه می‌دارد. از طرف دیگر این نیروی کار پول بیشتر می‌گیرد و میل به مصرف در کارگر بیشتر می‌شود. مصرف بیشتر کارگر خود باعث ایجاد اشتغال می‌شود و اثر نیروی بیکاران را خنثی می‌کند.

در شرایط فعلی اقتصاد ایران نمی‌توان به سمت بازار آزاد نیروی کار رفت. مهارت نیروی کار در ایران همگن نیست، یعنی همه به یک نسبت مشخص مهارت ندارند. کارگران در سن، تخصص و جنسیت متفاوت هستند. بعضی از کارگران

کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

سیاست حداقل دستمزد در شرایط فعلی لازمه بازار کار است

کارشناس اقتصاد در پاسخ به این ادعا که اجرای سیاست حداقل دستمزد و افزایش آن، باعث بیکاری می‌شود و در مقابل برای رفع بیکاری باید این سیاست را پایان داد، گفت: یکی از مهم‌ترین استدلال‌هایی که در مخالفت با اجرای سیاست «حداقل دستمزد» مطرح می‌شود، تحلیل اقتصادی، اجرای این سیاست در بلندمدت موجب حفظ سرمایه انسانی و جلوگیری از اخراج کارگران ماهر می‌شود.

مهدی موحدی یک‌نظر اظهار داشت: برخی اظهار می‌کنند افزایش حداقل دستمزد متناسب با تورم، موجب بیکاری گسترده کارگران می‌شود در حالی که اجرای این سیاست هرگز موجب بیکاری نمی‌شود. البته ممکن است به طور محدود موجب بیکاری کارگران غیرماهر شود. علت محدود بودن اثر بیکاری این سیاست هم این است که وقتی بخشی از سود بنگاه بین کارگران تقسیم شود، دوباره در قالب افزایش تقاضای موثر

نداشته باشد کارفرما بیشترین فشار را به کارگران وارد می‌کند که به دنبال آن مشکلات کارگری و امنیت و خوابیم داشت. هم‌اکنون چاره‌ای جز حداقل دستمزد نداریم.

یکی از مسائل مورد بحث درباره سیاست افزایش حداقل دستمزد‌ها، آن است که این سیاست منجر به رانده شدن بسیاری از بنگاه‌ها به بیرون از بازار می‌شود، زیرا به طور معمول بنگاه‌ها فعالیت خود را در سطحی متنظر با کارایی به انجام می‌رسانند، بنابراین افزایش هزینه دستمزد نیروی کار باید در جای دیگری جذب شود. در این باره یک راهکار آن است که بنگاه قیمت‌های خود را افزایش دهد اما در صورتی که منحنی تقاضای مقابل بنگاه پرکنش باشد، آنگاه دیگر فضایی برای افزایش قیمت کالای تولیدی بنگاه مربوط باقی نخواهد ماند، بنابراین بسیاری از بنگاه‌ها ورشکسته خواهند شد. راه‌حل دیگر آن است که بنگاه‌ها از تعداد نیروی کار خود بکاهند، آنگاه نیروی کار با بهره‌وری بیشتر می‌ماند که دستمزد بیشتری دریافت می‌کند.



سیاست حداقل

دستمزد، به اتسکای کارگران غیرماهر می‌خواهند اجرای سیاست حداقل دستمزد را متوقف کنند. این در حالی است که همین افراد کارگران غیرماهر و بیکار پناه می‌گیرند تا از حرف خود دفاع کنند.

بکنظر افزود: این نکته را نیز باید مدنظر داشته باشیم که سیاست حداقل دستمزد که الان از آن دفاع می‌کنیم، به واسطه فقدان یکسری از شرایط نهادی است که باید در بازار کار ما وجود می‌داشت ولی الان وجود ندارد و باعث شده ما فضا از اجرای این سیاست تبعیت کنیم. بنابراین هر زمانی شرایط لازم در اقتصاد کشور و بازار کار ایجاد شد، می‌توان در سیاست حداقل دستمزد تجدیدنظر کرد.

نماینده کارفرمایی شورای عالی کار در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

درمان، مسکن و آموزش طبق قانون اساسی بر عهده دولت است، نه کارفرما

هم‌اکنون با یک معادله چندمجهولی طرف هستیم. بحث دستمزد موضوع ساده‌ای نیست که گفته شود دو دو تا چهار تا می‌شود.

آهنی‌ها همچنین گفت: در بحث حداقل دستمزد، یک بقالی با یک کارخانه بزرگ یکسان در نظر گرفته شده است. چارچوب‌ها و مزایا هم اینطور است. وقتی همه بخش‌ها را در یک ظرف ریختیم کار تعیین حداقل دستمزد مشکل می‌شود.

وی افزود: اگر کنترل درستی روی قیمت‌ها و تورم بود و ارزی‌هایی که برای واردات کالا تعلق می‌گرفت بدرستی به هدف اصابت می‌کرد و به مردم می‌رسید، اینچنین فشارهای معیشتی به آنها وارد نمی‌شد.

نماینده کارفرمایی در شورای عالی ادامه داد: هم وضع بخش کارگری ما خوب نیست و هم واحدهای خرد و کارفرماهای آنها.

آهنی‌ها اظهار داشت: بیش از ۹۰ درصد اقتصاد کشور ما در واحدهای خرد و کوچک متوسط است و صرفا ۱۰ درصد برای مشاغل بزرگ است؛ نباید این ۱۰ درصد معیار تصمیم‌گیری باشد. وی افزود: باید یک تصمیم ملی بگیریم که به شکلی کالاهای اساسی و حیاتی به دست مردم برسد و نظارت‌های درست و کنترل‌های قیمتی درستی داشته باشیم تا بتوانیم به این بحث‌ها پاسخگو باشیم.

سه شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۹
وطن امروز | شماره ۳۱۶۶

اقتصاد

حمایت از کارفرما

یاشانه خالی کردن از مسؤولیت؟

امیرحسین سیدرحیم‌زاده: هر ساله در روزهای پایانی سال و موعد تعیین حداقل دستمزد کارگران، دولتمردان، کارفرماها و بخشی از طرفداران اقتصاد آزاد، موضوع حداقل دستمزد و افزایش دریافتی کارگران را متغیری مسبب افزایش نرخ بیکاری، تورم و فشار به کارفرما طرح می‌کنند اما آیا برآستگی تعیین حداقل دستمزد کارگران، باعث این اتفاقات می‌شود؟

در اینجما می‌خواهیم به مورد سوم بپردازیم و به این سوال پاسخ دهیم که «آیا تعیین حداقل دستمزد، موجب فشار آمدن روی کارفرما و در نتیجه تعطیلی بنگاه‌های اقتصاد می‌شود؟» ابهام جدی‌ای که در سال‌های اخیر با توجه به رکود اقتصادی کشور، علت اصلی پایین نگه داشتن میزان افزایش حداقل دستمزد کارگران بوده است.

برای پاسخ به این ابهام ابتدا باید به این سوال بنیادی‌تر پاسخ داد: «سهم دستمزد کارگران از هزینه‌های تولید چقدر است؟» براساس آخرین آمارهای موجود، میانگین سهم دستمزد کارگران در قیمت تمام‌شده بخش کشاورزی ۶ تا ۷ درصد و در بخش صنعت بین ۸ تا ۹ درصد است و به طور میانگین، سهم دستمزد کارگران از هزینه‌های تولید تنها ۹ تا ۱۰ درصد است. در بالاترین آمار برای اقتصاد ایران، نسبت هزینه دستمزد کارگران به کل هزینه‌ها ۱۵ درصد ارزیابی شده است. (این آمار برگرفته از پژوهش علمی و دانشگاهی است و مراجع دولتی تاکنون رقمی در این باره ارائه نکرده‌اند).

این یعنی حتی اگر دولت به کارفرما اجازه دهد که تنها نیمی از حداقل دستمزد کارگری را پرداخت کند، در نهایت تا ۵ درصد از هزینه‌های تولید آن کاسته می‌شود؛ این در حالی است که عملاً هزینه‌های معیشتی کارگران شاغل در آن بنگاه اقتصادی به یک‌دوم کاهش پیدا کرده و در هزینه‌های زندگی بشدت دچار مشکل می‌شوند

موضوع دیگر این است که در اقتصاد، ۲ دهه تولید وجود دارد؛ سرمایه و نیروی کار. میزان هزینه تامین کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه برای تولید، همواره با نرخ تورم و درصت هماهنگ با آن رشد می‌کند، در نتیجه هزینه‌های بنگاه در این بخش افزایش می‌یابد. آیا کارفرما چاره دیگری دارد جز اینکه قیمت نهاده‌ای را که نیاز دارد بپردازد، هر چند گران شده باشد؟ پاسخ منفی است. دستمزد نیروی کار چطور؟ اگر دستمزد نیروی کار هم مطابق با همان نرخ تورم رشد کند، هیچ تغییری در زندگی کارگران رخ نخواهد داد؛ یعنی نمی‌شود گفت که زندگی کارگران به خاطر افزایش حقوق‌ها بهبود یافته است. همچنین هزینه‌های تولید باید همان‌طور که در تامین سرمایه با تورم رشد می‌کند، به طور کلی هم باید با تورم رشد کند تا سهم عوامل تولید در ساخت برستی مشخص شود. حال چاره واقعی قرار است حداقل دستمزد کارگران مانند هزینه تامین سرمایه با نرخ تورم افزایش یابد، کارفرما آن را ظلم می‌داند و دولت به بهانه حمایت از او، دستمزد کارگران را چند ده درصد پایین‌تر از نرخ تورم تعیین می‌کند؟ پاسخ کمی تلخ است. چون دولت دوست دارد نه از کارگران حمایت کند، نه از کارفرماها! سیاستی که دولت‌ها در حمایت از کارفرمایان درباره تامین کالاهای سرمایه‌ای اتخاذ می‌کنند، دادن سوبسید به کالاهای مختلف است تا قیمت تمام‌شده برای آنها کاسته شود و بتوانند راحت‌تر دست به تولید بزنند. پس در تامین هزینه دستمزد نیروی کار نیز سیاستی که قابل اتخاذ است و باید عملیاتی شود، تامین بخشی از دستمزد کارگران از طریق دولت‌هاست. اما به دلیل اینکه راحت‌ترین کار، فشار آوردن به کارگر است، دولت و کارفرما دست در دست هم، سفره معاش کارگران را کوچک‌تر از پیش می‌کنند. جالب است بدانید که این سیاستی که در حال اجراست، خیلی هم به نفع کارفرما نیست! کارگری که مشکل معیشتی داشته باشد و همواره به میزان دستمزد خود معترض باشد، کارایی مطلوبی در روند تولید نخواهد داشت، در نتیجه به مرور زمان شاهد کاهش بهره‌وری و تولید خواهیم بود. تا به امروز با چنین استدلال‌هایی، عقب‌ماندگی بین حداقل دستمزد کارگران و هزینه‌های معیشتی توجیه شده و ۲ گزاره کارگر، کار و کارفرما از آن متضرر بوده‌اند.

■ پژوهشگر اقتصاد